
مهدویت
و اندیشه ظهور

بسم الله الرحمن الرحیم

مهدویت واندیشه ی ظهور

نویسنده:

مجله حوزه

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
مهدویت واندیشه ی ظهور ----- ۶
مشخصات کتاب ----- ۶
مهدویت و اندیشه ظهور ----- ۶
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۱۹

مهدویت واندیشه ی ظهور

مشخصات کتاب

مهدویت و اندیشه ظهور

مهدویت و اندیشه ظهور

پیشگفتار مطالعه سرگذشت جامعه های مختلف بشری و بررسی مکتب های فکری در طول تاریخ، نشان می دهد که انسان ها همواره به یک سلسله مسائل بنیادی، اعتقاد راسخ داشته اند تا جایی که با گذشت قرن ها و ظهور مکتب های جدید فکری و پدیدار شدن تحول های شگرف در علم و صنعت، این گرایش ها تغییر نکرده و به اصالت خود باقی مانده است. یکی از این مسائل، اعتقاد به ظهور یک منجی و مصلح جهانی است. گرچه اعتقاد به ظهور این منجی در آخرالزمان، در میان پیروان ادیان الهی، فروغ بیشتری دارد، ولی بشر همواره در انتظار این مصلح به سر برده است و عقیده دارد که روزی، این منجی خواهد آمد و به نابسامانی ها و بی عدالتی ها خاتمه خواهد داد و انسان را بسر منزل مقصود و سعادت و کمال که خواسته دیرینه او بوده، خواهد رساند. در این کتاب، مؤلف محترم تلاش کرده تا عقیده به منجی و مصلح جهانی را، در ادیان الهی و مکتب های مختلف فکری پی گیرد و دیدگاه هر کدام را ارائه دهدکه با این بررسی، اصالت اعتقاد به ظهور منجی و انتظار او، ثابت می شود. ایشان با ارائه شواهد، ثابت می کند که تمام این دیدگاه ها به یک نفر اشاره دارند و او همان مهدی موعود اسلام است. سپس به نویدهای اسلام درباره ظهور آن حضرت می پردازد و روایاتی را از طریق شیعه و اهل سنت می آورد تا قطعیت این اعتقاد را بنمایاند. روایاتی را نیز برای شناخت نسب آن حضرت نقل می کند. آرای جمعی از دانشمندان اهل سنت را درباره صحت روایات وارده درباره مهدی(علیه السلام) ، و تواتر آنها می آورد و شبهات برخی از اهل سنت را مطرح کرده، آن ها را پاسخ می دهد. سپس دیدگاه جمعی از اهل سنت را که تصریح کرده اند که آن حضرت، فرزند امام حسن عسکری(علیه السلام) است، ذکر می کند. اشاره ای نیز به دیدگاه تنی چند از مستشرقین و نقد آنها و اعترافات برخی از آنها دارد. در بخشی از کتاب، مسأله انتظار را ریشه یابی کرده، آثار سازنده آن را در فرد واجتماع باز می گوید. در قسمتی دیگر از کتاب، آیاتی را که راجع به آن حضرت و ظهورش رسیده است، نقل می کند. بخش عظیمی از کتاب را به نقل نویدهای ظهور منجی، در کتاب های مقدّس تورات و انجیل و کتاب های هندوها و زرتشتیان اختصاص می دهد. درباره دین آینده جهان با استمداد از آیات و روایات بحث می کند و از زاویه های گوناگون به این مسأله می نگرد و ثابت می کند که دین آینده جهان، اسلام است. در بخشی نیز به بررسی وضع جهان پیش از ظهور و آثار منفی تمدن صنعتی می پردازد و اعترافات تنی چند از دانشمندان را که بر لزوم حکومت واحد جهانی تأکید دارند، ذکر می کند. در آخرین بخش کتاب، به برخی از ویژگی های حضرت مهدی(علیه السلام) و یاران آن حضرت می پردازد و به چند سؤال پاسخ می دهد. واحد تحقیقات مسجد مقدّس جمکران، ضمن قدردانی از زحمات محقق گرانقدر حجهٔ الاسلام و المسلمین سید اسد اللّه هاشمی شهیدی، افتخار دارد که تحقیق و تصحیح مصادر و ویرایش متن کتاب را انجام داده و آن را آماده چاپ و نشر نموده است. بدان امید که این اثر مورد قبول قطب عالم امکان حضرت بقیهٔ اللّه الاعظم ارواحنا فداه قرار گیرد و در شناسایی آن حضرت نزد شیفتگان عدالت مؤثر افتد و الطاف آن جان جهان را شامل حالمان گرداند. واحد تحقیقات مسجد مقدّس جمکران بهار ۱۳۸۰ بخش اوّل مسأله مهدویّت و اندیشه ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) شامل: ۱ ـ ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) از دیدگاه جامعه اسلامی ۲ ـ اصالت مهدویّت و انکار ظهور حضرت مهدی(علیه السلام)از سوی برخی مغرضان ۳ ـ ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) از دیدگاه صحابه و تابعین ۴ ـ عقیده به ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) از نظر اقوام و ادیان ۵ ـ

عقاید اقوام مختلف جهان درباره مصلح موعود ۶ ـ اسامی مقدّس حضرت مهدی(علیه السلام) در کتب مذهبی اهل ادیان ۷ ـ عقیده به ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) یک مسأله عقلی و منطقی است ۸ ـ عقیده به ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) یک مسأله فطری است ۹ ـ عقیده به ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) یک اعتقاد اصیل مذهبی است ۱۰ ـ عقیده به ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) اختصاص به اسلام ندارد مسأله «مهدویّت» و اندیشه ظهور حضرت مهدی(علیه السلام)، و این که وی از سلاله پاک خاندان نبوّت، و از دودمان مقام شامخ ولایت (پسر عمّ، جانشین، و وارث علوم رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم)علی بن ابی طالب(علیهما السلام))، و از ذریّه طیّبه دخت گرامی پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم)، بزرگ بانوی بانوان عالم حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام)، و از نسل سرور آزادگان جهان حضرت حسین بن علی(علیهما السلام)است، یکی از مسائل بسیار مهمّ دینی و مشهور اسلامی است. مسأله مهدویّت و اندیشه ظهور مهدی موعود(علیه السلام) در آخر الزمان، در آیین مبین اسلام، مسأله ای اصیل، ریشه دار و با سابقه است که هرگز با گذشت زمان کهنه و فرسوده نمی گردد، و با آن که از زمان رحلت پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم)تاکنون، مدّت چهارده قرن از آن می گذرد، نه تنها از فروغ این عقیده کهن و باستانی کاسته نشده است، بلکه با پیشرفت سریع صنعتی، و انحطاط اخلاقی جوامع بشری، و احساس یأس و نومیدی، و زندگی سراسر رنج زا و درد آلود، هر آن و هر لحظه، عشق سوزان بشریّت نسبت به وجود مقدّس حضرت مهدی(علیه السلام)بیشتر، و نور امید و آرزو در دلهای خداپرستان افروخته تر، و اشتیاق توده های محروم و درمند، برای ظهور آن خورشید فروزان شعلهورتر می گردد. در آیین مقدّس اسلام کمتر مسأله ای را می توان یافت که به اندازه مسأله مهدویّت بدان اهمیّت داده شده باشد، و شاید بتوان گفت: در مورد هیچ مسأله ای از مسائل حیاتی اسلام به اندازه مسأله «مهدویّت» روایت نرسیده است. زیرا علاوه بر آیات متعدّدی از «قرآن کریم» که پیشوایان معصوم(علیهم السلام)، آنها را به وجود مقدّس حضرت مهدی(علیه السلام) تفسیر و تأویل کرده اند، روایات فراوانی از طریق اهل سنّت نیز از پیامبر گرامی اسلام(صلی الله علیه وآله وسلم) و صحابه و تابعین و ائمّه معصومین(علیهم السلام)در باره ظهور مبارک آن یکتا بازمانده حجج الهی وارد شده است، در این روایات، ویژگی های شخصی و اوصاف و جزئیّات زندگی آن یگانه مظهر قدرت خداوندی بیان گردیده، و هم اکنون بیش از شش هزار حدیث از منابع و مدارک معتبر شیعه و سنّی در باره آن وجود مقدّس در دسترس ما قرار دارد.([۱] [۱]) مسأله مهدویّت، و اندیشه ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) که به عنوان یک شخصیّت ممتاز الهی، و رهبر آسمانی، و «خاتم اوصیا» و آخرین سفیر خداوند، در پایان جهان ظهور خواهد کرد، و بر سرتاسر کره خاکی استیلا خواهد یافت، و به وسیله آن وجود مقدّس، همه مکتبهای موجود زمان، و حکومت های مقتدر جهان، و تمام نیروهای تخریبی، و قدرت های اهریمنی، نابود خواهند شد، و در تمام جهان، صلح و صفا و عدالت و امنیّت بر اساس حکومت حقّ و عدل، بر قرار خواهد گردید، اندیشه ای است که کلیه فِرَق اسلامی آن را پذیرفته و سرسختانه از آن دفاع می نمایند.([۲] [۲]) مسأله مهدویّت، و اندیشه ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) و گسترش جهانی ایمان اسلامی، و پیروزی نهایی حق بر باطل، و استقرار کامل و همه جانبه ارزشهای انسانی، و بالاخره تشکیل «مدینه فاضله» و حکومت جهانی واحد، در میان «مسلمانان» ریشه قرآنی دارد. قرآن کریم، با قاطعیّت هرچه تمامتر، پیروزی نهایی ایمان اسلامی، و غلبه قطعی «صالحان و پرهیزکاران» بر مستکبران و زورمداران، و کوتاه شدن دست جبّاران و ستمکاران از دامان محرومان و مستضعفان، و آینده درخشان فرزندان انسان را، در پرتو حکومت حقّ و عدل الهی به همه مسلمانان و پیروان ادیان وعده داده است.([۳] [۳]) آنچه در رابطه با مسأله مهدویّت و اندیشه ظهور حضرت مهدی(علیه السلام)گفته شد، حقایقی است که سابقه ای بس طولانی داشته، و در نخستین روزهای طلوع اسلام بر سر زبانها بوده است. و پیامبر گرامی اسلام(صلی الله علیه وآله وسلم) و ائمّه اهل بیت(علیهم السلام)آنها را به عنوان نویدهای ظهور مهدی موعود(علیه السلام) برای اُمّت اسلامی بازگو نموده، و در کمال صراحت از ظهور مردی از خاندان پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) که با فرمان مدبّر جهان هستی در پایان جهان ظهور خواهد نمود سخن گفته اند. گرچه ما در آینده در این باره به تفصیل سخن خواهیم گفت، ولی

در عین حال، در اینجا نیز برای این که تصویر روشنی از مسأله مهدویّت داشته باشیم، نخست مسأله عقیده به ظهور حضرت مهدی(علیه السلام)را از دیدگاه مسلمانان و جامعه اسلامی به صورت مختصر مورد بررسی قرار می دهیم، سپس آنچه در کتب روایی شیعه و سنّی آمده است از نظر خوانندگان گرامی می گذرانیم تا حقیقت و واقعیّت مسأله مهدویّت بر همگان روشن شود. ۱ ـ ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) از دیدگاه جامعه اسلامی بر پژوهشگران، صاحب نظران و ارباب دانش پوشیده نیست که مسأله مهدویّت و اندیشه ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در آخر الزمان، یکی از مسایل بسیار حیاتی اسلام، و از اعتقادات قطعی عموم مسلمانان است، که شیعه و سنّی در طی قرون و اعصار متمادی همه بر این عقیده اتّفاق نظر داشته و آن را جزء عقاید قطعی خود می دانند. گرچه وجود این عقیده در اسلام به خصوص در میان شیعیان، از مسایل بسیار حایز اهمیّت، و از اعتقادات بنیادی محسوب می شود، و از این رهگذر در میان همه مذاهب اسلامی، شیعیان بیش از همه با این عقیده شناخته شده اند، لذا برخی از افراد نا آگاه و بی اطّلاع، یا لجوج و معاند پیوسته کوشیده و می کوشند تا این عقیده را در مذهب شیعه محصور کنند، ولی هرگز عقیده به ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در اسلام اختصاص به شیعه ندارد. بلکه عقیده به ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) مورد اتّفاق و اجماع همه مسلمین بوده، و کلیّه فِرَق اسلامی در این عقیده باهم اتّفاق نظر دارند، و حتّی فرقه ساخته شده «وهّابیت» نیز آن را جزء عقاید قطعی و مسلّم خود می دانند و به طور جدّی از آن دفاع می نمایند، و معتقدند که: اعتقاد به ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) بر هر مسلمانی واجب است، و جز افراد نادان و بی اطّلاع و بدعت گزار، منکر آن نخواهند بود.([۴] [۴]) به طور خلاصه، آنچه از مجموع منابع معتبر حدیثی و تاریخی شیعه و سنّی استفاده می شود این است که: مسأله مهدویّت و عقیده به ظهور حضرت مهدی(علیه السلام)یکی از ضروریات دین مقدّس اسلام است که منکر آن از آیین اسلام بیرون است. از این رو، کلیّه مسلمانان از شیعه و سنّی ـ و به طور کلّی عموم اُمّت اسلامی ـ عقیده دارند، که بر اساس روایات وارده، ناچار باید در آخر الزمان (و تاریک ترین دوران تاریخ بشر) مردی از خاندان پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) به نام حضرت مهدی(علیه السلام) ظهور کرده، بر همه کشورها مسلّط شود، و دین را تأیید بخشد، و سراسر روی زمین را پر از عدل و داد کند، و او از دودمان پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم)و از نسل حضرت فاطمه(علیها السلام) است. از نظر مسلمانان، مسأله «مهدویّت» و عقیده به ظهور مهدی موعود(علیه السلام)یک اعتقاد عمیق دینی و مذهبی، و یکی از مهمترین و حسّاس ترین فرازهای عقیدتی اسلامی است. این عقیده در اسلام و به خصوص در میان شیعیان، از اعتقادات بنیادی و تردید ناپذیری است که هیچ گونه شک و تردید در آن وجود ندارد. عموم مسلمانان و به ویژه شیعیان عقیده دارند که اعتقاد به ظهور حضرت مهدی(علیه السلام)از ضروریات مذهب است، و اخبار و روایات مربوط به آن حضرت، از طریق شیعه و سنّی به حد «تواتر» رسیده است.([۵] [۵]) عموم مسلمانان عقیده دارند که ظهور مبارک مهدی موعود(علیه السلام)که در روایات متواتر اسلامی با اوصاف: «قُرشی، هاشمی، فاطمی، علوی، حسنی، و حسینی» معرّفی گردیده، و نویدهای ظهور مبارک آن حضرت سالها پیش از ولادت با سعادتش از زبان مبارک پیامبر عظیم الشأن اسلام(صلی الله علیه وآله وسلم) و خاندان پاکش(علیهم السلام) برای اُمّت اسلامی بازگو شده، یک امر قطعی و مسلّم است. عموم مسلمانان عقیده دارند که ظهور مبارک حضرت مهدی(علیه السلام) در آخر الزمان، وعده قطعی خداوند است، و نویدهای ظهور آن موعود جهانی در قرآن کریم و روایات اسلامی به صورتی گسترده در نهایت وضوح و روشنی بیان شده است. عموم مسلمانان عقیده دارند که طبق وعده های قرآن کریم و روایات اسلامی، در آینده تاریخ و در آخر الزمان، مردی از اهل بیت به نام حضرت مهدی(علیه السلام) ظهور خواهد کرد که دین را تأیید، و عدل و داد را آشکار خواهد نمود، و دشمنان دین و انسانیّت چه بخواهند و چه نخواهند، سرانجام او ظاهر می شود، و بر همه کشورها و ممالک اسلامی مسلّط می گردد. در زمان او اسلام جهانگیر می شود، سراسر روی زمین پر از عدل و داد می شود، پرچم توحید و یکتاپرستی در همه جهان به اهتزاز در می آید، دینی جز دین مبین اسلام باقی نمی ماند، نظام جهانی بر اساس ایمان به خدا و احکام اسلام استوار می گردد، بر تمام جهان دین واحد، قانون واحد،

نظام واحد، و رهبر واحد حکومت می کند، و در همه جا صلح و صفا ایجاد می شود، و حقّ و عدالت پیروز، و ظلم و ستم یکسره از بین می رود. عموم مسلمانان عقیده دارند که با جهانی شدن ظلم و ستم، فساد و تبهکاری و وجود حکومت های ظالمانه با معیارهای غیر عادلانه در سطح جهان، از نقطه نظر رحمت الهی، ظهور مهدی موعود(علیه السلام) یک ضرورت اجتناب ناپذیر است که طبق وعده های صریح اسلامی آنچنان که در قرآن کریم واخبار اهل بیت(علیهم السلام) آمده است، سرانجام باید ظاهر شود؛ کاخهای ستمگران را برسرشان فرو ریزد، پرچم حقّ و عدالت را بر فراز گیتی به اهتزاز درآورد، ریشه ظلم و بیداد را از بیخ و بن برکند، و بر ویرانه های کاخ جبّاران و ستمکاران، جهانی آباد و آزاد بنیان نهد، و انسانها را از زیر یوغ استعباد، استثمار و استعمار رهایی بخشد. آری خواننده گرامی! عموم مسلمانان و به ویژه شیعیان، عقیده دارند که ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) یک امر محتوم و مسلّم است که بدون تردید واقع خواهد شد، و کفر کافران، لجاجت منکران و سرسختی معاندان، در تحقّق اراده و مشیّت الهی، و ظهور منجی آسمانی، کمترین اثری نخواهد داشت، و از این رو همه منتظر و چشم به راهند، و همه انتظار روزی را می کشند که ندای نوید ظهور «منجی موعود» در سرتاسر جهان طنین انداز شده، همه ساکنان روی زمین، طنین آن ندای آسمانی را با گوش خود بشنوند، و از جان و دل اجابت کنند، و سر از پا نشناخته شتابان به سویش روان گردند. اینک برای این که مهدی موعود اسلام را بشناسیم، و بدانیم که اسلام در زمینه ظهور آن یکتا بازمانده حجج الهی چه نویدهایی را به مسلمانان و مردم جهان داده است، فشرده مطالبی را که در دریای ژرف و ناپیدا کرانه متون اصیل اسلامی آمده است در اینجا می آوریم. آنچه در مقام معرّفی مهدی موعود(علیه السلام)، در منابع معتبر شیعه و سنّی آمده، بدین قرار است: «او، حجّت خدا، خاتم اوصیا، رهایی بخش اُمّت، مهدی، منتظر، قائم آل محمّد(صلی الله علیه وآله وسلم)، صاحب الأمر، صاحب الزمان، عدالت گستر، بقیّهٔ اللّه، صاحب شمشیر، ظاهر کننده دین، خلف صالح، باعث، وارث، صاحب، خالص، صاحب الدار (صاحب خانه) مأمول، مؤمَّل، (امید آینده) نایب، برهان، باسط (گسترنده)، ثائر (انقلابی)، منتقم، سیّد، جابر (ترمیم کننده دین)، خازن (خزینه دار علوم الهی)، امیر امیران، قاتل تبهکاران، آقای دو جهان، و امام منتظر برای تأسیس حکومت عدل الهی است».([۶] [۶]) پدرش گنج دانش ایزدی، امام حسن عسکری(علیه السلام)، و مادر بزرگوارش نرجس خاتون بانوی کنیزان جهان از بیتی رفیع و خاندانی جلیل است که از امام حسن عسکری(علیه السلام)فرزندی جز آن آخرین حجّت خدا از این بانوی بزرگوار نمانده است.([۷] [۷]) در سال ۲۵۵ هجری قمری، در سپیده دم پانزدهم ماه شعبان در شهر «سامرّا» پایتخت عبّاسیان چشم به جهان گشود.([۸] [۸]) نامش، نام پیامبر ـ محمّد(صلی الله علیه وآله وسلم) ـ و کنیه اش کنیه پیامبر ـ ابوالقاسم ـ است. «ولادت با سعادتش از دشمنان پنهان ماند، و نام و نشانش از بدخواهان در نهان ؛زیرا حکومت خون آشام وقت و دستگاه ستمگر خلافت، سخت در پی او و مشتاق یافتن و نابود ساختنش بود، و تمام نیروی خود را در اطراف خانه امام حسن عسکری(علیه السلام)متمرکز کرده و دهها جاسوس به کار گرفته بود، و بر هر جاسوسی، جاسوسی دیگر گمارده بود تا از ولادت ولیّ خدا حضرت بقیّهٔ اللّه(علیه السلام)آگاه شده، نور خدا را خاموش کند، ولی مشیّت خداوند بر آن تعلّق گرفته بود که حجّت خود را از گزند دشمنان حفظ کند».([۹] [۹]) با شهادت پدر بزرگوارش امام حسن عسکری(علیه السلام) در شب هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری قمری، بار دشوار و توان فرسای امامت بر دوش او نهاده شد، و به فرمان حکمت آمیز پروردگار، از مردم «غیبت» اختیار فرمود.([۱۰] [۱۰]) دوران غیبت آن حضرت دو بخش متمایز دارد: ۱ ـ غیبت صغری یا کوتاه مدّت ـ سال ۲۵۵ تا ۳۲۹ هجری ـ که در این دوره شیعیان می توانستند توسط سفیران چهارگانه اش با آن حضرت تماس بگیرند و با وی ارتباط برقرار کنند. این چهار تن نایب خاص، که شیعیان می توانستند در دوران غیبت صغری توسط آنها با حضرت مهدی(علیه السلام) تماس بگیرند و مشکلات خود را به ناحیه مقدّسه برسانند و پاسخ های لازم را دریافت نمایند، عبارتند از: جناب عثمان بن سعید عمروی، محمّد بن عثمان بن سعید، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمّد سمری، که با رحلت او باب «نیابت خاص» بسته شد. ۲ ـ غیبت کبری یا بلند مدّت که تا امروز ادامه یافته است. در این دوره سفیر و نایب خاصّی برای آن

حضرت نیست، و راه تماس رسمی و آشکار برای مردم وجود ندارد. و بر آنهاست که از نوّاب عام امام(علیه السلام)ـ یعنی از فقهای پارسا وخویشتن دار ـ پیروی کنند.([۱۱] [۱۱]) غیبت صغری از همان لحظه ولادت حضرت ولی عصر(علیه السلام) آغاز می شود([۱۲] [۱۲]) و تا روز وفات چهارمین سفیر حضرتش ادامه می یابد([۱۳] [۱۳])ولی دوران سفارت، از رحلت حضرت امام حسن عسکری(علیه السلام) آغاز شده و تا وفات علی بن محمّد سمری، امتداد می یابد.([۱۴] [۱۴]) بنابراین، طول غیبت صغری ۷۴ سال تمام، و مدّت سفارت سفیران چهارگانه ۶۹ سال و شش ماه و پانزده روز است. به هر حال، نهان زیستی آن حضرت بدین معناست که دور از چشم مردمان ولی زیر همین آسمان کبود بسر می برد. اگر برخوردی هم برایش پیشامد کند، اغلب ناشناخته می ماند و دیدارهایش با شیعیان تنها به اذن خداست. هم اکنون ـ سال ۱۴۱۴هجری قمری ـ نزدیک به ۱۱۵۹ سال از عمر شریفش می گذرد و بنا به اراده و مشیّت حکیمانه الهی، هنوز شاداب، جوان و نیرومند است.([۱۵] [۱۵]) و این حالت کهنسالی و نافرسودگی او، بهترین محک برای رسوایی و سیه رویی دروغگویان و دروغ پردازان «مهدی نما» و مدّعیان مهدویّت است. مهدی قائم(علیه السلام) وارث نهایی فضایل و کمالات انبیاء و اولیاء خداست. در خرد و دانش از همه پیشتر است، و در طاعت و عبادت و بندگی از همه پیشروتر، و در کرم و بخشش از همه پیشگام تر، و در شجاعت و شهامت و رشادت از همه پیشتازتر است.([۱۶] [۱۶]) از کنار خانه کعبه ـ مکّه مکرّمه ـ قیام شکوهمند خود را آغاز می کند، نخبه ترین پارسایان دلیر، و برگزیده ترین جنگاوران پرهیزکار آن زمان که ۳۱۳ نفرند ـ هم شمار یاران پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) در جنگ بدر ـ به دورش حلقه می زنند، و چون دژی محکم و استوار او را در میان می گیرند. خبر ظهور او به سرتاسر جهان می رسد، و چون ده هزار نفر از مردمان دیندار و یکدل و نیرومند ـ هم شمار یاران پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) در فتح عظیم مکّه ـ به یاریش بشتابند و فرمانش را گردن نهند از مکّه بیرون می آید([۱۷] [۱۷]) و با نبردی آزادی بخش و سخت خونین، ملّت های اسیر و به دام افتاده را رهایی می بخشد. سپاه پیروزمند آن یگانه منجی عالم که در هیچ برخوردی شکست نمی خورد([۱۸] [۱۸]) سراسر گیتی را تسخیر می کند، تمامی دولت های ستمگر و باطل را از روی صفحه زمین، بر می اندازد، و حکومت واحد جهانی را بر اساس موازین عدالت اسلامی تشکیل می دهد([۱۹] [۱۹])، فرمانروایی زمین به بندگان صالح، شایسته و نیک کردار خدا می رسد، و ستمدیدگان و مستضعفان، وارث ثروتها، نعمت ها و قدرت ها در پهنه گیتی می شوند چنان که خداوند متعال می فرماید: (وَنُرید أنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضعِفُوا فِی الأَرْضِ، وَنَجْعَلَهُمْ أئِمّةً وَنَجْعَلَهُمُ الوارِثِینَ).([۲۰] [۲۰]) «وما اراده کرده ایم که بر کسانی که در روی زمین به ضعف کشیده شده اند، منّت نهاده، آنها را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم». در سایه چنین حکومتی، ظلم، جور، جفا، تعدّی و تجاوز، و جنایت و خیانت ریشه کن می گردد.([۲۱] [۲۱]) و برادری و برابری و عدالت و محبّت، همه جا را فرا می گیرد.([۲۲] [۲۲]) تعالیم سعادت بخش اسلام به بهترین شکل به اجرا در می آید، و آئین جاوید رسول اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) بر همه سرزمینها سایه گستر می شود.([۲۳] [۲۳]) در تمام معابدی که غیر خدا پرستش می شد تنها خدا را می پرستند، و همگان به کیش توحید می گرایند([۲۴] [۲۴])، و آنها که به هیچ رو در برابر منطق و برهان سرفرود نمی آورند و هنوز به وسوسه نفس و ابلیس، به بتها و طاغوتها دلبستگی تامّ وتمام دارند و به حکومت «اللّه» به هیچوجه گردن نمی نهند، نابود می گردند.([۲۵] [۲۵]) و جانیان، زورگویان، آشوبگران و گردنکشان همگی از بین می روند. انتقام خون شهیدان راه حق ـ بویژه سرور آزادگان حضرت حسین بن علی(علیه السلام) ـ از جلّادان وخونخواران گرفته می شود.([۲۶] [۲۶]) زمین، برکات بی شمار خود را نثار مقدم مبارک حضرتش می نماید، و گنجهای پربهایش را برای او آشکار و پدیدار می سازد. همه جا سبز، خرّم، شاداب و شکوفا می گردد، آسمان نیز نعمت های بی مانندش را بر زمین فرو می بارد. فراوانی نعمت و برکت، به گونه ای زندگی را برای مردم شیرین و دلپذیر می سازد که مردگان آرزوی برگشت به دنیا و زندگی دوباره را می کنند.([۲۷] [۲۷]) حضرت مهدی(علیه السلام) دست عنایت خود را بر سر مردم می گذارد، و با پرتوی از ولایت، به آنان رشد عقلانی و کمال اخلاقی می بخشد.([۲۸] [۲۸]) و زمین به نور پروردگار جهان، پر فروغ و درخشان می گردد.

هرکجا ویرانه ای باشد، به فرمان حضرتش آباد می شود. أمن وأمان بر همه جا سایه افکن شده، و ترس، هراس و نگرانی از میان می رود تـا حـدّی که زنی تنهـا، بـا زیب و زیور، مسافتی طولانی را می پیمایـد بـدون آن که هراسـی از راهزنان یا درنـدگان به دل راه دهد.([۲۹] [۲۹]) اموال عمومی وثروت هـای همگـانی را میان مردم یکسان بخش و پخش می نمایـد،([۳۰] [۳۰]) و مردم آنچنان دست گشاده و سخاوتمند و مهربان خواهند شد که انسان حاجتمند، بدون آن که لازم باشد تمنّایی کند یا تقاضایی بر زبان آورد یا دست نیاز به سوی این و آن دراز کنـد، از جیب برادر ایمانی خود به اندازه نیاز بر می دارد، و پس از فراغ و گشایش، آن را باز می گرداند.([۳۱] [۳۱]) تعلیم و تربیت در زمان آن حضـرت گسترش می یابد ;حضرتش چندین برابر علوم و معارفی را که فرستادگان الهی برای بشر آورده اند، آشکار می سازد.([۳۲] [۳۲]) سطح دانش مردم آنچنان بالا می رود که زنان، در خانه یارای آن را دارند که بر پایه کتاب خـدا و سنّت پیامبر(صـلی الله علیه وآله وسـلم) قضاوت کننـد.([۳۳] [۳۳]) خلاـصه مطلب آن که، روزگـار زرّین تاریخ بشـر، که مصـلحان و اندیشـمندان جهان به نام های گوناگون چون: «مدینه فاضله»، «شهر آفتاب»، و سرزمین «الدورادو» از آن یاد کرده اند([۳۴] [۳۴]) همین دوران است که نوید تحقّق حتمی و قطعی آن در یک آیه از آیات قرآن مجید به اجمال آمده است آنجا که خـدای عزّوجلّ می فرمایـد: (وَعَدَ اللّهُ الَّذینَ آمَنوُا مِنْکُمْ وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ، وَلَیُمَکِنِنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذی ارْتَضـی لَهُمْ وَلَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدونَنِی لایُشْرِکُونَ بِی شَیْئاً وَمَنْ کَفَرَ بَعْدَ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ الْفاسِقُونَ).([۳۵] [۳۵]) «خداونـد به کسانی از شـما، که ایمان آورده و عمل نیک و شایسته انجام داده اند، وعده داده است که حتماً آنهـا را خلیفـه روی زمین خواهـد گردانـد، همـان گـونه که مردم پیشـین را خلافـت روی زمین بخشـید. و دین و آیینی را که برایشـان پسـندیده در سراسـر جهان گسترده و پابرجا خواهـد ساخت، و ترس و هراسـشان را به آرامش وامنیّت مبـدّل خواهـد نمود، آنچنان که همگان تنها مرا پرستش نمایند، و چیزی را شریک من قرار ندهند و بعد از آن هرکس که کافر شود از پلیدان و بدکاران خواهد بود». در این آیه قرآن، چهار نوید اساسی به مؤمنان صالح داده شده است: ۱ ـ حکومت واحد جهانی بارهبری آخرین حجّت خدا حضرت مهدی(علیه السلام) به وسیله مردمان صالح و با ایمان اداره خواهد شد. ۲ ـ نظام کامل و عالی اسلامی در سراسر گیتی، برقرار خواهـد شـد و قوانین نجات بخش و سـعادت آفرین اسـلام دقیقاً به مرحله اجرا در خواهد آمد. ۳ ـ بیم و هراس تـوده مردم به آسایش و امنیّت مبـدّل خواهد گشت. ۴ ـ همگان، خـدای یکتای بی همتا را خواهنـد پرستیـد، و هرگونه شـرک، کفر و بت پرستی ریشه کن خواهـد گردیـد. چکیده و عصاره این چهار برنامه، همان جمله معروف و مشـهوری است که شـیعه و سنّی در کتاب های معتبر خود نقل کرده انـد، و بیش از هر عبارت دیگری در مورد خروج قائم آل محمّـد(علیه السـلام) بر زبان مبارک پیامبر(صـلی الله علیه وآله وسلم) و دودمان پاکش(علیهم السلام)جاری گشته که فرموده اند: «یَمْلأُ الأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً کَما مُلِئَت ظُلماً وجَوْراً».([۳۶] [۳۶]) «سراسـر روی زمین را پر از عـدل و داد می کنـد، همـان گونه که پر از ظلم و جور شـده است». زمان ظهور منجی عالم تعیین نشده است.([۳۷] [۳۷]) سبب این «نـامعیّنی»، وابسـتگی مسـتقیم زمـان ظهور به پنـدار و گفتار و کردار آزادانه مردم است. این بود فشـرده آن چیزی که جامعه اسـلامی و به خصوص شـیعیان دوازده امامی درباره مهـدی موعود(علیه السـلام) و ظهور او، بدان عقیده دارند، و چشم به راه هستند، و از همه منادیان آزادی و مدّعیان بشر دوستی که به دروغ، هر روز در گوشه ای از جهان ندای آزادی سر می دهنـد ولی خود در فرصت هـای مناسب آزادی را از ریشه و بن بر می کننـد، بیزارنـد، و تنها در انتظارِ ظهور آن یگانه منجی آسـمانی و مصـلح الهی بسر می برند. و این بود خلاصه آن اخبار و احادیثی که علما، دانشمندان و حدیث نگاران اسلام ـ از شیعه و سنّی ـ از عصـر معصومین(علیهم السـلام) تا به امروز، آنها را در کتاب های معتبر و پر ارزش خود درباره مهدی موعود(علیه السـلام) روایت نموده انـد، و در گردآوری آنها از زبان مبارک پیامبر(صـلی الله علیه وآله وسـلم) و دیگر پیشوایان معصوم(علیهم السـلام) و صحابه و تابعین تلاشها کرده اند، ودر تدوین و تألیف آنها رنجها کشیده اند. و در این راه، جانبازیها و فداکاریها کرده اند تا آنها را دست نخورده و بـدون هیچ گونه دخل و تصـرّفی در نهایت رعایت امانت، به دست ما بسپارند. ۲ ـ اصالت مهـدویّت و انکار ظهور

حضـرت مهدی(علیه السـلام) از سوی برخی از مغرضان و متعصّبان مسأله مهدویّت و عقیده به ظهور حضـرت مهدی(علیه السـلام)، یکی از مسائل بسیار مهمّ و مشهور اسلامی است که ریشه های ثابت آن در کتاب و سنّت ـ آیات و روایات ـ قرار داشته، و در منابع و مدارک اهل سنّت نیز درباره آن از پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم)وائمّه معصومین(علیهم السلام)، و صحابه و تابعین روایت شده است، وحتّی در معروفترین و معتبرترین و اصولی ترین منابع حدیثی اهل سنّت مانند «مسند احمد حنبل»([۳۸] [۳۸]) و «صحاح ستّه»([۳۹] [۳۹]) روایات مربوط به آن حضرت به فراوانی آمده است. با این حال، برخی از متعصّبان، مغرضان و کج اندیشان، و یا افراد عنود و لجوج، ویا بالاتر از آن، تحصیل کرده های از خود راضی ـ از اهل سنّت ـ که علم و دانش خود را بالاتر از حقّ و حقیقت می پندارند، و همه چیز را با معلومات ناقص خود می سنجند، و به هرچه با معلومات ناقص شان سازگار نباشد با دیده تردید و انکار می نگرند، و زبان به ایراد و اعتراض می گشایند، موضوع بدین روشنی را مخدوش نموده، و پس از گذشت چهارده قرن از این واقعیّت ـ در عصر تمدّن و فرهنگ ـ تمام مطالب کتابهای خودشان را نادیده گرفته، و عقیده به ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) را افسانه ای پنداشته اند که فقط شیعه معتقد به آن است!!([۴۰] [۴۰]) غافل از این که مسأله مهدویّت و عقیده به ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در اسلام، مسأله ای اصیل و ریشه دار است، و اختصاص به «تشیّع» ندارد، و قبل از این که یک عقیده «شیعی» باشد، یک عقیده اسلامی ثابت و خالص است که مدّت چهارده قرن از عمر آن می گذرد، و در طول این مدّت پیوسته مورد اتّفاق و اجماع عموم مسلمانان بوده، و علما، دانشمندان، نویسندگان، محققان ومحدّثان ـ از شیعه و سنّی ـ در این باره کتابها، رساله ها و مقاله ها نوشته اند، تا آنجا که هم اکنون بیش از پنجاه جلد کتاب معتبر مستقل درباره وجود مقدّس حضرت مهدی(علیه السلام) از علمای اهل سنّت([۴۱] [۴۱]) و متجاوز از یکهزار جلد کتاب مستقل در مسأله مهدویّت در دست است([۴۲] [۴۲]) که این خود دلیل قاطعی بر اصالت مسأله مهدویّت و ریشه دار بودن این عقیده است. البته ما در اینجا در مقام پاسخگویی به افتراهای ناروای این گونه افراد عنود و ماجراجو نیستیم. و پیش از این، دانشوران، پژوهشگران و اندیشمندان آزاد اندیش و منصف جهان در این باره حقّ مطلب را ادا کرده، و پاسخ یاوه گوئیهای آنان را داده اند، ولی آنچه گفتن و نوشتن آن بر یک انسان مسلمان با ایمان لازم است و به صراحت باید اعلام نماید این است که،مهدی موعود(علیه السلام) یک انسان عادی و یا قهرمان خیالی نیست، بلکه او حجّت خدا، و جانشین پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم)، و مردی الهی و آسمانی، و مظهر قدرت خداوند است که پذیرش و انکار او از سوی شخصی یا گروهی، ذرّه ای از شکوه و عظمت او نمی کاهد، زیرا او چون مهر تابان و خورشید فروزانی است که سرانجام به هر خانه ای خواهد تابید، و از هر روزنه ای خواهد درخشید، و هرگز تیرگی اندیشه جاهلان و تنگ نظری خفّاشان، از نور افشانی آن آفتاب عالمتاب مانع نخواهد شد. شب پره گر وصل آفتاب نخواهد***رونق بازار آفتاب نکاهد آری! ظهور مبارک حضرت مهدی(علیه السلام) از وعده های حتمی پروردگار است، و خداوند در وعده هایش تخلّف نمیورزد، و بی شک قیام شکوهمند آن مصلح پیروز تحقّق خواهد یافت، و دنیا را آن چنان که پر از ظلم و جور شده، از عدل و داد پر خواهد نمود و انکار منکران، لحظه ای آن را به تأخیر نخواهد انداخت. همچنین اعتراض معترضان، که بدون توجّه به دلایل روشن و براهین آشکار، بی مهابا به پیش می تازند، و از شنیدن حقّ و پذیرفتن آن امتناع میورزند، در تحقّق ظهور آن مصلح الهی هیچ گونه اثری نخواهد داشت، و ظهورش بدون تردید به وقوع خواهد پیوست، و کسی را یارای مقاومت در برابر آن نخواهد بود. (وَیَسْتَنْبِؤُنَکَ أَحَقٌّ هُوَ قُلْ ای وَرَبّی إنَّه لَحَقٌّ وَما أَنْتُمْ بِمُعْجِزین).([۴۳] [۴۳]) «از تو می پرسند آیا به راستی آن حقّ است؟ بگو: آری! به پروردگارم سوگند، که آن حقّ است و شما هرگز راه فراری ندارید».([۴۴] [۴۴]) (فَوَرَبِّ السَماءِ وَالأَرض أنّه لَحَقٌّ مثلَ ما أنّکُمْ تَنْطِقونَ).([۴۵] [۴۵]) «به پروردگار آسمان و زمین سوگند، که این وعده، همانند این که شما با یکدیگر سخن می گویید حقّ و حقیقت است». ۳ ـ ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) از دیدگاه صحابه و تابعین اگر ما از این قرن خودمان ـ که قرن چهاردهم هجری، و عصر برخوردها، تضادها، و ستیز مکتبها و تمدّنهاست ـ بگذریم، و بخواهیم این مسأله را تا عصر رسالت رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم)مورد

بررسی قرار دهیم، می بینیم که اصل مسأله مهدویّت و ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در چهارده قرن گذشته، بین تمام مسلمانان مطرح بوده است، و صحابه بزرگ رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) و تابعین، و سپس تابعین تابعین، و سایر طبقات روات، از آن زمان تا به امروز، روایات مربوط به آن حضرت را با تمام مشخّصات، اوصاف و نشانه ها روایت نموده، و علما و محدّثان بزرگ اسلامی نیز آنها را در کتابهای خود گردآوری نموده، و حتّی برخی از آنان در این خصوص کتابهای مستقلّی تألیف کرده اند. بسیاری از شخصیّتهای سرشناس علمی، ادبی و سیاسی نیز ایمان و عقیده خود را نسبت به این موضوع، در اشعار و کتاب ها اظهار داشته اند و در موارد متعدّدی اصالت این عقیده را مورد تأیید قرار داده، و در فرصت های مناسب سخنانی در این رابطه ابراز داشته اند که در کتب تاریخ ثبت گردیده تا در اختیار آیندگان قرار بگیرد. در این زمینه، شواهد بسیار زیادی از کتب حدیث، تاریخ، تفسیر، لغت، جغرافی، رجال، عقاید، کلام، و حتّی شعر و ادب ـ از عربی و فارسی ـ در دست داریم که نشانه اصالت مهدویّت و حقیقت این اعتقاد بزرگ اسلامی است. اینک قسمتی از آنچه که در این زمینه از شخصیتهای علمی، ادبی و سیاسی نقل شده، می آوریم: ابن عبّاس می گوید: «شبها و روزها سپری نمی شود ـ جهان به پایان نمی رسد ـ جز این که جوانی از ما اهل بیت زمام اُمور را به دست می گیرد که دستخوش فتنه ها نمی شود و خود فتنه بر نمی انگیزد. گفته شد: چگونه است که پیر مردان شما از آن محروم می شوند و جوانان شما به آن می رسند؟! گفت: آری! این امانت خدا است، به هرکس بخواهد عطا می فرماید».([۴۶] [۴۶]) ممکن است کسی خیال کند که ابن عبّاس، شخص دیگری غیر از حضرت مهدی(علیه السلام)را قصد کرده است، ولی روایات صریحی که مکرّراً از او نقل شده، آن را توضیح می دهد که منظور، همان مهدی موعود(علیه السلام) است.([۴۷] [۴۷]) عبداللّه بن عمر می گوید: «مهدی(علیه السلام) کسی است که حضرت عیسی(علیه السلام) از آسمان بر او نازل می شود و پشت سر او نماز می خواند».([۴۸] [۴۸]) عثمان بن عفّان می گوید: «از رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) شنیدم که می فرمود: امامان بعد از من دوازده نفرند که نُه نفر آنها از فرزندان حسین(علیه السلام) هستند. و مهدی این اُمّت از ما ـ اهل بیت ـ است. هرکس که بعد از من به آنها تمسّک جوید، به ریسمان الهی تمسّک جسته، و هرکس از آنها دوری گزیند، از خدای تعالی دوری گزیده است».([۴۹] [۴۹]) حذیفهٔ بن یمان می گوید: «از پیامبر اکرم شنیدم که فرمود: وای بر این اُمّت از دست پادشاهان ستمگری که بندگان خدا را می کشند و آنها را می ترسانند... هنگامی که خداوند اراده کند که عظمت و عزّت اسلام را باز گرداند همه ستمگران سرکش و عنود را هلاک می سازد که او بر هرچه بخواهد، قادر است. او این امّت را پس از آن که تباه شده اند، اصلاح می کند. ای حذیفه! اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را به قدری طولانی می سازد تا این که مردی از اهل بیت من جهان را مالک شود، و اسلام را آشکار و ظاهر گرداند، و خداوند هرگز در وعده خود تخلّف نمیورزد».([۵۰] [۵۰]) طاووس یمانی می گوید: «بسیار دوست داشتم که نمیرم تا آن که زمان حضرت مهدی(علیه السلام) را درک کنم، زیرا در آن زمان به پاداش نیکوکاران افزوده می شود، و از گناه گنه کاران جلوگیری می شود، و آن حضرت مال را به فراوانی بخشش می کند، و بر مسئولین کشوری بسیار سخت می گیرد، و بر بی نوایان بسیار رؤوف و مهربانست».([۵۱] [۵۱]) ابن سیرین می گوید: «به طور قطع، حضرت مهدی(علیه السلام) بر بسیاری از پیامبران برتری دارد».([۵۲] [۵۲]) کعب الاحبار می گوید: «من مهدی(علیه السلام) را در اسفار ـ کتابهای ـ همه پیامبران می یابم، که در داوری او هیچ ستم و تباهی وجود ندارد».([۵۳] [۵۳]) همو در جای دیگری می گوید: «مهدی قائم(علیه السلام) که از نسل علی بن ابی طالب(علیهما السلام) است در اخلاق و اوصاف، شکل و سیما، هیبت وشکوه چون عیسی بن مریم(علیه السلام) است. خدای تعالی آنچه به پیامبران داده، به او نیز با اضافات بیشتری خواهد داد».([۵۴] [۵۴]) صعصعهٔ بن صوحان می گوید: «آن شخص بزرگواری که حضرت عیسی(علیه السلام) پشت سر او نماز می گزارد، دوازدهمین نفر از عترت رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) و نهمین نفر از فرزندان امام حسین(علیه السلام)است. اوست خورشید فروزانی که از مغرب طلوع می نماید، در بین رکن و مقام ـ در کنار کعبه ـ ظاهر می شود، و زمین را ـ از وجود ستمگران ـ پاک می سازد، و ترازوی عدل

را برقرار می نمایـد، به طوری که هیـچ فردی به فرد دیگری سـتم نخواهـد کرد».([۵۵] [۵۵]) زید شـهید(رضـی الله عنه) می فرماید: «خداوند به وسیله ما شناخته می شود، و به وسیله ما پرستیده می شود، و ماییم راهنمایان به سوی خدا. محمّد مصطفی(صلی الله علیه وآله وسلم)از ماست. علی مرتضـی از ماست. و مهـدی، قائم این اُمّت، از ماست... خداونـد او را بعد از امامت امامان معصوم(علیهم السلام)ظاهر می گرداند، و او دنیا را پر از عدل و داد می کند همان گونه که پر از ظلم و ستم شده است».([۵۶] [۵۶]) شعر حکیم بن عیّاش کلبی، شاعر بنی اُمیّه: در بیشتر منـابع تاریخی که توسّط مورّخان عامّه تألیف شـده نوشـته انـد که: وقتی جناب زیـد فرزند رشـید امام چهارم، بر ضـدّ حکومت جبّار هشام بن عبـدالملک قیام کرد و سـرانجام به شـهادت رسـید و پس از مرگ، بـدنش را در کوفه به دار آویختند، حکیم بن عیّاش کلبی که از دشمنان سرسخت خاندان نبوّت بود، این شعر را خطاب به بنی هاشم گفت: صَلبنا لَکمْ زیداً علی جذعِ نَخلَهٔ**وَلَم أرَ مَهْدیّاً عَلی الجذعِ یُصْلبُ «زید انقلابی شما را بر تنه نخلی به دار آویختیم، و من فکر نمی کنم که مهدی بر تنه نخل آویخته شود». مقصود شاعر این است که آن مهـدی که ظهور می کنـد، فاتح همه کشورها می شود و بر تمام ممالک مستولی می گردد، پس چگونه ممکن است جناب زیـد که بر تنه نخل به دار آویخته شـد، مهدی موعود باشد؟!! بعضـی از مورّخـان عـامّه و برخی از همفکرانشـان از منحرفـان و روشـنفکرها، این شـعر را دلیـل بر افسانه بودن مسأله مهـدویّت گرفته انـد، در صورتی که همین شـعر دلیل بر واقعیّت داشتن مسأله مهدویّت است، زیرا همین شعر که در اوایل قرن دوّم هجری گفته شده است به خوبی گواه بر این مطلب است که حتّی متعصّـبان بنی اُمیّه نیز می دانسـتند که مهدی موعود(علیه السلام)ازدودمان رسول اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) واز نسل مطهّر علی و فاطمه(علیهما السلام) است و همان گونه که در روایات آمده است او بر ضدّ دولت های جبّار وخودکامه قیام می کنـد و پیروز می شود، و لـذا این شاعر می گویـد: اگر شـما جناب زید را «مهدی» و نجات دهنده می دانید نمی بـایست شکست بخورد و کشـته شود، یعنی آنچه ما درباره مهـدی(علیه السلام)شـنیده ایم این نیست که او مصـلوب می شود. بنابراین، آیا این شـعر دلیل بر سابقه ذهنی مردم نسبت به مسأله مهدویّت است، یا نشانه افسانه بودن ظهور مهدی موعود؟ قضاوت با خواننده است.([۵۷] [۵۷]) گفتار منصور خلیفه عبّاسی: سیف بن عمیره نقل می کند: روزی در نزد ابوجعفر منصور ـ خلیفه عباسی ـ بودم که خود آغاز سخن کرد و به من گفت: ای سیف! به ناچار ندا کننده ای از آسمان به نام مردی از فرزندان ابوطالب ندا خواهد کرد. گفتم: ای امیر! شـما هم این مطلب را روایت می کنی؟ گفت: آری! به خـدایی که جان من در دست قدرت اوست که من این موضوع را با دو گوش خود شـنیده ام. گفتم: من این حدیث را پیش از این نشنیده بودم. گفت: ای سـیف! این حدیث حقّ است، و چون چنین است ما سزاوارتریم که آن را اجابت نماییم. بدان که منادی به نام مردی از عمو زادگان ما ندا خواهد کرد. گفتم: مردی از فرزنـدان فاطمه؟ گفت: آری، ای سـیف اگر این مطلب را از محمّد بن علی ـ امام باقر(علیه السـلام) ـ نشـنیده بودم، آن را برای تو بازگو نمی نمودم، ولی گوینده محمّد بن علی(علیهما السـلام)است، و در همه روی زمین کجا می توان کسـی را مانند او پیدا کرد؟ ([۵۸] [۵۸]) گفتار هارون الرشـید: سـلیمان بن اسـحاق ـ که خود از بنی عبّاس و از نواده های عبـداللّه بن عبّاس است ـ گوید: پدرم برای من نقـل کرد که روزی نزد هارون الرشـید بودم که از «مهـدی» و عـدالت او سـخن به میان آمـد، و سـخن در این باره به درازا کشید. آنگاه هارون الرشید گفت: گمان من این است که شماها چنین می پندارید که پدر من ـ مهدی عبّاسی ـ همان مهدی موعود است!! ولی من به شـما می گویم که پـدرم از پـدرانش، از ابن عبّـاس، و او از پـدرش عبّـاس بن عبـدالمطلب برای من نقـل کرد که پیامبر خطاب به عبّاس فرمود: ای عمو! دوازده نفر ازفرزندان من امام خواهند بود. حوادث ناگواری روی خواهدداد، و روزگار بسیار سختی فراخواهـد رسـید، آنگاه مهدی(علیه السـلام) که ازفرزندان من است ظاهر می شود، و خداوند امر او را در یک شب اصـلاح می نمایـد، او سراسـر زمین را پر از عدل می کند همان گونه که پر از سـتم شده است، آنگاه هر چه خدا بخواهد در زمین حکومت می کند.([۵۹] [۵۹]) ۴ ـ عقیده به ظهور حضـرت مهدی(علیه السـلام) از نظر اقوام و ادیان انتظار ظهور یک مصلح بزرگ آسمانی، و امید به آینده و اسـتقرار صـلح و عدل جاویدان، امری فطری و طبیعی است که با ذات و وجود آدمی سر و کار داشته و با آفرینش

هر انسانی همراه است و زمان و مکان نمی شناسد و به هیچ قوم و ملّتی اختصاص ندارد. از این رو، همه افراد طبق فطرت ذاتی خود مایلند روزی فرا رسد که جهان بشریّت در پرتو ظهور رهبری الهی و آسمانی و با تأیید و عنایت پروردگار، از ظلم ظالمان و ستم ستمگران نجات یافته، شور و بلوا در جهان پایان پذیرد و انسانها از وضع فلاکت بار موجود نجات یابند و از نابسامانی و نا امنی و تیره روزی خلاص شوند و سرانجام به کمال مطلوب و زندگی شرافتمندانه ای که انسان است، نایل آیند. به همین دلیل، در تمام ادیان و مذاهب مختلف جهان از مصلحی که در آخر الزمان ظهور خواهد نمود و به جنایتها و خیانتهای انسانها خاتمه خواهد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی واقعی بنیان خواهد نهاد، سخن به میان آمده و تمام پیامبران و سفیران الهی در این زمینه به مردم با ایمان جهان، نویدهایی داده اند. در این زمینه، یکی از نویسندگان معروف چنین می نویسد: «موضوع ظهور و علایم ظهور، موضوعی است که در همه مذاهب بزرگ جهان واجد اهمیّت خاصّی است. صَرفِ نظر از عقیده و ایمان که پایه این آرزو را تشکیل می دهد، هر فرد علاقه مند به سرنوشت بشریّت، و طالب تکامل معنوی وقتی که از همه نا امید می شود، و می بیند که با وجود این همه ترقّیات فکری و علمی شگفت انگیز، باز متأسّفانه، بشریّت غافل و بی خبر، روز به روز خود را به سوی فساد و تباهی می کشاند و از خداوند بزرگ بیشتر دوری می جوید، و از اوامر او بیشتر سرپیچی می کند ;بنا به فطرت ذاتی خود متوجّه درگاه خداوند بزرگ می شود، و از او برای رفع ظلم و فساد یاری می جوید. از این رو در همه قرون و اعصار، آرزوی یک مصلح بزرگ جهانی در دلهای خداپرستان وجود داشته است. و این آرزو نه تنها در میان پیروان مذاهب بزرگ، مانند: زرتشتی و یهودی و مسیحی و مسلمان، سابقه دارد، بلکه آثار آن را در کتاب های قدیم چینیان و در عقاید هندیان، و در بین اهالی اسکاندیناوی و حتّی در میان مصریان قدیم و بومیان و حتّی مکزیک و نظایر آنها نیز می توان یافت».([۶۰] [۶۰]) آری! عقیده به ظهور یک مصلح بزرگ آسمانی در پایان جهان، یکی از مسایل بسیار مهمّ و حسّاسی است که نه تنها در آیین مبین اسلام، بلکه در همه ادیان آسمانی، و نه تنها در میان پیروان ادیان و مذاهب بلکه در نزد بسیاری از مکاتب مختلف جهان سابقه دیرین دارد، و تمامی پیروان ادیان بزرگ عالم از مسیحیان، کلیمیان و زرتشتیان گرفته تا پیروان مکتب های الحادی، همه و همه بدان عقیده دارند. ناگفته نماند که پیروان ادیان و مذاهب گوناگون، و دیگر ملل و اقوام گذشته و مکاتب مختلف جهان درباره نام آن بزرگوار باهم اختلاف نظر دارند، مسلمانان او را «مهدی موعود منتظر(علیه السلام)»، و پیروان سایر ادیان ومکتبها و ملّتها و توده های محروم، وی را «مصلح جهانی» یا «مصلح غیبی»، یا «رهاننده بزرگ» یا «نجات بخش آسمانی» و یا «منجی اعظم» می نامند ;ولی در باره اوصاف کلّی، برنامه های اصلاحی، تشکیل حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی، و ظهور او در آخرالزمان اتّفاق نظر دارند. جالب توجّه این که حتّی در این اواخر نیز، این عقیده در بین گروهی از دانشمندان و فلاسفه بزرگ جهان به عنوان: «لزوم تشکیل حکومت واحدجهانی» درسطح وسیعی مطرح گردیده است: «در عصر اخیر دوشادوش پیشرفت همه جانبه ای که در تمام مسایل علمی نصیب بشریّت شده، این ایده و عقیده نیز از مرز ادیان و مذاهب قدم فراتر نهاده و به عنوان یکی از مهمترین مسایل حیاتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است».([۶۱] [۶۱]) آری خواننده گرامی! امروز بسیاری از اندیشمندان و فلاسفه مشهور جهان نیز عقیده دارند که با پیشرفت سریع صنعت و تکنولوژی، زندگی ماشینی، رقابت های نا سالم نظامی، بازیهای خطرناک سیاسی، و احساس یأس و نا امیدی در بین جوامع بشری برای رهایی از اوضاع نا بسامان کنونی، تشکیل حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی لازم و ضروری است.([۶۲] [۶۲]) بنابراین، برغم افکار بیمارگونه کوته نظران کج اندیش که می پندارند مسأله مهدویّت و انتظار ظهور یک رهبر بزرگ آسمانی در پایان جهان، از مختصّات مسلمانان و یا از عقاید خاص شیعیان است و می کوشند تا با تلاش مذبوحانه خود آن را در یک مکتب خاصّ محصور کنند، این مسأله اختصاص به مسلمانان و شیعیان ندارد ;بلکه یک اعتقاد عمومی مشترک است که همه اُمّتها و ملّتها و پیروان ادیان ـ و حتّی مکاتب مختلف، فلاسفه، دانشمندان و اندیشمندان واقع بین جهان نیز ـ در این عقیده و مرام باهم شریک اند.([۶۳] [۶۳]) اصالت اعتقاد به ظهور مُنجی عقیده به ظهور یک نجات

دهنده بزرگ آسمانی و امید به یک آینده روشن که در آن، نگرانیها و هراسها مرتفع گردد، و به برکت ظهور یک شخصیّت ممتاز الهی همه تاریکیها از پهنه گیتی برچیده شود، و ریشه ظلم و جهل و تباهی از روی کره زمین برکنده شود، یک اعتقاد عمومی ثابت است که همواره در همه وقت، در همه جا، و در همه زمانها بین تمام ملّتها شایع و رایج بوده است. بر اساس تحقیقات پژوهشگران مسایل اسلامی، این عقیده در طول دوران زندگی انسانها پیوسته در میان همه ملّتها و پیروان ادیان بزرگ موجود بوده، و حتّی اقوام مختلف جهان چون: اسلاوها، ژرمنها، اسنها و سلتها، نیز معتقدند که سرانجام باید پیشوایی در آخر الزمان ظهور کرده، بی عدالتی ها را از بین برده، حکومت واحد جهانی تشکیل داده، و در بین مردم بر اساس عدالت و انصاف داوری کند. آنچه از تاریخ اُمّتها استفاده می شود این است که: مسأله عقیده به ظهور یک رهبر مقتدر الهی و آمدن مصلحی در آخر الزمان به نام مُنجی موعود جهانی به قدری اصیل و ریشه دار است که در اعماق دل ملّتها و پیروان همه ادیان الهی، و تمام اقوام و ملل جهان جا گرفته است تا جایی که در طول تاریخ بشریّت، انسانها در فراز و نشیب های زندگی، با یادآوری ظهور چنین رهبر مقتدری، پیوسته خود را از یأس و نا امیدی نجات داده، و در انتظار ظهور آن مصلح موعود جهانی در پایان جهان، لحظه شماری می کنند. برای اثبات این مطلب، کافی است بدانیم که عقیده به ظهور یک «نجات دهنده» حتّی از نظر یهود و نصاری نیز قطعی است. و حتّی این که در میان همه طوایف یهود و همه شاخه های مسیحیّت وجود این عقیده قطعی و مسلّم است. اینک برای توضیح بیشتر به مطالبی که در این زمینه می آوریم، توجه فرمایید. انتظار ظهور «منجی» در بین یهود و نصاری نویسنده آمریکایی کتاب «قاموس مقدّس»، درباره شیوع اعتقاد به ظهور، و انتظار پیدایش یک «منجی بزرگ جهانی» در میان قوم «یهود» چنین می نویسد: «عبرانیان منتظر قدوم مبارک «مسیح» نسلاً بعد نسل بودند، و وعده آن وجود مبارک . . . مکرّراً در «زبور» و کتب انبیا، علی الخصوص، در کتاب «اشعیا» داده شده است. تا وقتی که «یحیای تعمید دهنده» آمده، به قدوم مبارک وی بشارت داد، لیکن «یهود» آن نبوآت (پیشگوییها) را نفهمیده با خود همی اندیشیدند که «مسیح» (سلطان زمان) خواهد شد، و ایشان را از دست جور پیشگان و ظالمان رهایی خواهد داد، و به اعلا درجه مجد و جلال ترقّی خواهد کرد».([۶۴] [۶۴]) نویسنده کتاب «قاموس کتاب مقدّس» در کتاب خود ازیهودیان، زبان به شکایت می گشاید که دعوت عیسای مسیح را بعد از آن همه اشتیاق و انتظار، سرانجام نپذیرفتند و او را مسیح واقعی نپنداشتند و او را با مسیح موعودی که سلطان زمان خواهد بود و منجی واپسین و مژده اش را کتاب مقدّسشان داده بود و سالها در انتظارش در التهاب سوزان لحظه شماری می کردند، مطابق نیافتند. از این رو، با او به دشمنی برخاستند، حتّی وی را جنایتکار به ملّت اسرائیل، و تعالیمش را، ضدّ آرمان اساسی کتب مقدّس «عهد عتیق» (تورات و ملحقات آن) دانستند، ناچار به محاکمه اش فراخواندند و به اعدام محکومش کردند، و همچنان با احساس غبنی جانکاه مجدداً در انتظار «مسیح موعود» و رهایی بخش از رنج و ستم، نشستند. مسیحیان، با این که حضرت عیسی(علیه السلام) را «مسیح موعود» یهودیان می دانستند، چون نسبت به پیروی او احساس ناتمامی کردند، یکباره امیدشان از «زمان حال» برکنده شد ;حماسه انتظار را از سر گرفتند و در انتظار «مسیح» و بازگشت وی از آسمان، در پایان جهان نشستند. طبق نوشته «مستر هاکس» آمریکایی، در کتاب خود «قاموس کتاب مقدس» کلمه «پسر انسان» ۸۰ بار در «انجیل» و ملحقات آن (عهد جدید) به کار رفته که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی(علیه السلام) قابل تطبیق است([۶۵] [۶۵])، و ۵۰ مورد دیگر از «مصلح» و نجات دهنده ای سخن می گوید که در آخر زمان ظهور خواهد کرد([۶۶] [۶۶]).! مسیح های دروغین اعتقاد به ظهور یک «منجی بزرگ جهانی» و اشتیاق، به ظهور یک رهبر آسمانی در میان یهود و نصاری، آن چنان اصیل و ریشه دار است که در طول تاریخ این دو ملّت، مدّعیان شگفتی را پدید آورده، و افراد زیادی پیدا شده اند که خود را به دروغ «مسیح موعود» معرّفی کرده اند. به طوری که صاحب کتاب «قاموس کتاب مقدّس» در باره شماره مدّعیان دروغین «مسیح موعود» می نویسد: «۲۴ نفر مسیحیان (مسیح های) دروغگو در میان بنی اسرائیل ظاهر گشتند که مشهورترین و معروفترین آنها «برکوکبه» است که در اوایل قرن ثانی می زیست. و آن دجّال معروف ادّعا می نمود که رأس و رئیس و پادشاه قوم یهود است. و در مائه دوازدهم

تخمیناً ده نفر از مسیحیان، ـ یعنی: مسیح های دروغگو ـ ظاهر گردیده، جمعی را به خود گروانیده، و این مطلب اسباب فتنه و جنگ شده، و جمعی کثیر نیز در آن معرکه، طعمه شمشیر گردیدند. و آخرین مسیحیان ـ مسیح های دروغگو ـ «مردخای» است. او شخصی بود آلمانی که در سال ۱۶۸۲ میلادی ظهور کرده، اسباب اشتداد فتنه، و اشتعال نائره فساد گشت، و چون آتش فتنه بالا گرفت، فراری گردیده معدوم الاثر شد. نویسنده کتاب «دیباچه ای بر رهبری» بعد از نقل این جریان از کتاب «قاموس کتاب مقدس» می نویسد: «متأسّفانه اطّلاع مؤلّف آمریکایی ـ کتاب «قاموس کتاب مقدّس» به زبان فارسی، که سالها نیز ساکن «همدان» بوده است ـ درباره شماره مدّعیان «مسیحائی» و همچنین درباره آخرین کسی که به عنوان «مسیح موعود» قیام کرده است، نارساست. شماره این مدّعیان، به مراتب بیشتر از آن است که وی یادآور شده است، همچنین قیام «مردخای» آلمانی در قرن هفدهم، واپسین قیامی نیست که تاریخ مسیحیّت آن را به یاد می آورد. تنها طی دو قرن هیجده و نوزده در انگلستان، بالغ بر شش تن، به نام «مسیح موعود» ظهور کرده اند، و اغتشاشهایی را هم دامن زده اند، و پاره ای از آنان نیز به کیفر رسیده اند».([۶۷] [۶۷]) «البته به موازات دین مسیح، در دین یهود نیز، مسیح های دروغین متعدّد ظهور کرده اند. از جمله، یکی از مسیح های یهودی، «داود آل روی» از یهودیان ایران است. او در اواسط قرن دوازدهم در میان یهودیان ایران، مدّعی شد که او «مسیح موعود» است».([۶۸] [۶۸]) ۵ ـ عقاید اقوام مختلف جهان درباره مصلح موعود مسأله عقیده به ظهور مصلحی جهانی در پایان دنیا امری عمومی و همگانی است، و اختصاص به هیچ قوم و ملّتی ندارد. سر منشأ این اعتقاد کهن و ریشه دار، علاوه بر اشتیاق درونی و میل باطنی هر انسان ـ که به طور طبیعی خواهان حکومت حقّ و عدل، و برقراری نظام صلح و امنیّت در سرتاسر جهان است ـ نویدهای بی شائبه پیامبران الهی در طول تاریخ بشریّت به مردم مؤمن و آزادی خواه جهان است. تمام پیامبران بزرگ الهی در دوران مأموریّت الهی خود به عنوان جزیی از رسالت خویش به مردم وعده داده اند که در آخر الزمان و در پایان روزگار، یک مصلح بزرگ جهانی ظهور خواهد نمود و مردمان جهان را از ظلم ظالمان و ستم ستمگران نجات خواهد داد و فساد، بی دینی و بی عدالتی را در تمام جهان ریشه کن خواهد ساخت و سراسر جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. ---

----------------------------- [۱][۱] ـ متن ۶۰۰۰ حدیثی که یاد آور شده ایم در کتاب نفیس «منتخب الاثر» نوشته دانشمند گرانقدر، آیهٔ اللّه لطف اللّه صافی گلپایگانی، جمع آوری شده است. در این کتاب جمعاً ۶۲۰۷ حدیث با ذکر مأخذ از ۱۵۴ کتاب معتبر شیعه و سنّی نقل شده است. [۲][۲] ـ برای اطلاع بیشتر به بخش چهارم کتاب که تحت عنوان: اعتراف دانشمندان اهل سنّت به صحّت احادیث مهدی(علیه السلام)آورده ایم، مراجعه فرمایید. [۳][۳] ـ در زمینه غلبه قطعی صالحان و پرهیزکاران بر مستکبران، و وعده های نویدبخش قرآن به مسلمانان، در بخش هشتم تحت عنوان: «نویدهای ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در قرآن کریم» به تفصیل سخن گفته ایم، به آنجا رجوع شود. [۴][۴] ـ ر ک: بخش چهارم (اعتراف دانشمندان اهل سنّت به صحّت احادیث مهدی(علیه السلام)). [۵][۵] ـ خبر «متواتر» خبری است که جماعتی آن را نقل کنند که راویان آن در کثرت و فراوانی به حدّی باشند که عادتاً اتّفاق و توطئه آنها بر دروغ محال باشد، و از اخبار آنها علم به صحّت خبر حاصل شود، و این گونه روایت حجّت است. ابن حجر عسقلانی در کتاب «نزههٔ النواظر»، صفحه ۱۲ می نویسد: خبر متواتر، مفید یقین است، وعمل کردن به آن نیاز به بحث ندارد. [۶][۶] ـ دلائل الامامهٔ، ص ۵۰۲، منتخب الأثر، ص ۲۵۶، ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۴۵، ۳۴۶ و ۴۶۷ ; فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۷ ; بشارهٔ الاسلام، ص ۴۹ و ۶۶، نور الابصار، ص ۳۴۲ ; ینابیع المودهٔ، ج ۳، ص ۱۰۹ ; و بسیاری از کتابهای روایی دیگر. [۷][۷] ـ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳، ینابیع المودهٔ، ج ۳، باب ۷۹، ص ۳۰۲ ; مشارق الانوار، ص ۱۰۱ و کمال الدین صدوق، ج ۱، ص ۳۰۷، باب ۲۷، ح ۱. [۸][۸] ـ فصول المهمّه، ص ۲۹۲ ; ینابیع المودّهٔ، ج ۳، ص ۱۳۸، الاتحاف، ص ۱۷۹، الیواقیت والجواهر، ج ۲، ص ۱۴۳، وفیات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۶، و غیبت طوسی، ص ۱۳۷ . [۹][۹] ـ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۳۴، و ج ۵۱، ص ۱۳، ۲۵، ۳۰ و ۳۲ ; کافی، ج ۱، ص ۵۰۵ ; منتخب الاثر، ص ۲۸۶ و ۲۸۸، فصول المهمّه، ص ۲۹۰ و الاتحاف بحبّ الاشراف، ص ۱۷۹.

[۱۰][۱۰] ـ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۳۴، ح ۹ ; کافی، ج ۱، ص ۵۰۳، محجّهٔ البیضاء، ج ۴، ص ۳۳۵ ; ارشاد مفید، جزء دوم، ص ۳۳۶ ; وفیات الاعیان، ج ۴ . [۱۱][۱۱] ـ در مورد لزوم تقلید ازمراجع عالیقدر و فقهای عالی مقام، مرحوم شیخ حرّ عاملی(رضی الله عنه) ۴۸ روایت با ذکر سند در کتاب شریف و سائل الشیعه جلد ۱۸، صفحه ۹۸، ۱۱۱، آورده است. [۱۲][۱۲] ـ نیمه شعبان، ۲۵۵ هجری قمری. [۱۳][۱۳] ـ نیمه شعبان ۳۲۹ هجری قمری، به غیبت شیخ طوسی، ص ۲۴۲ و کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۲۰، در مورد رحلت علی بن محمّد سمری که با رحلت او باب سفارت بسته شد، و همچنین به کتاب شریف بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۰، باب احوال السفراء مراجعه فرمایید. [۱۴][۱۴] ـ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۳۶ و ج ۵۳، ص ۶. [۱۵][۱۵] ـ منتخب الاثر، ص ۲۸۵ و ۲۲۱، کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۳۱، بیروت ; کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۶، باب ۵۷، ح ۱۲ ; و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵ و ۳۲۲. [۱۶][۱۶] ـ در این زمینه در بخش های مختلف این کتاب به تفصیل سخن رفته است. [۱۷][۱۷] ـ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۷، ح ۷ ;کمال الدین، باب ۳۶، ح ۲. [۱۸][۱۸] ـ کمال الدین، باب ۳۲، حدیث ۷. «إنّه لا تُردّ له رایهٌ». [۱۹][۱۹] ـ منتخب الاثر، ص ۲۹۲، ۴۳۶، ۴۷۰ و ۴۷۱. [۲۰][۲۰] ـ سوره قصص، آیه ۵. در رابطه با این آیه شریفه، در مجمع البحرین می نویسد: این آیه در حقّ حضرت قائم(علیه السلام)نازل شده، و ابن ابی الحدید معتزلی در «شرح نهج البلاغه» نوشته است: اصحاب ما (معتزله) معتقدند که این آیه در حقّ امام غایبی است که ظهور خواهد کرد، و بر سرتاسر جهان حکومت خواهد نمود. (مجمع البحرین، ج ۵، ص ۸۵، مادّه «ضعف»، و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۲۹، بخش کلمات قصار، شماره ۲۰۵). [۲۱][۲۱] ـ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۴، ح ۸ ; و کمال الدین، باب ۳۳، ح ۷. [۲۲][۲۲] ـ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶، ح ۱۱. [۲۳][۲۳] ـ منتخب الاثر، ص ۱۸۳ ; بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۳. [۲۴][۲۴] ـ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶، ح ۱۴ ; کمال الدین، باب ۳۳، ح ۳۱. [۲۵][۲۵] ـ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۰، ح ۲ ; کمال الدین، باب ۳۴، ح ۶. [۲۶][۲۶] ـ مکیال المکارم، ج ۱، ص ۶۳، ح ۱۲۰ ; بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۱۸، ح ۷. [۲۷][۲۷] ـ مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۶۵ ; و منتخب الاثر، ص ۱۴۶، فصل ۲، باب اول، ح ۱۳. [۲۸][۲۸] ـ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، ح ۷۱. [۲۹][۲۹] ـ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶، ح ۱۱ ;مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۰۱، ح ۲۲۸. [۳۰][۳۰] ـ عقد الدرر، ص ۴۰، مسند احمد، ج ۳، ص ۳۷، و منتخب الاثر، ص ۱۴۷. [۳۱][۳۱] ـ اختصاص مفید، ص ۲۴ ;بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲. [۳۲][۳۲] ـ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، ح ۷۳. [۳۳][۳۳] ـ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲، ح ۱۰۶. [۳۴][۳۴] ـ «مدینه فاضله» تعبیر افلاطون است، و سرزمین «الدورادو» تعبیر «ولتر»، و «شهر آفتاب» تعبیر «توماس کامپانلاّ». [۳۵][۳۵] ـ سوره قصص، آیه ۵. [۳۶][۳۶] ـ منتخب الاثر، ص ۲۴۷ ـ ۲۴۹، فصل ۲، باب ۲۵. کتاب بسیار نفیس و پر ارزش «منتخب الاثر» آکنده از این تعبیر است، و کتب حدیث شیعه و سنّی به وفور آن را روایت کرده اند. [۳۷][۳۷] ـ منتخب الاثر، ص ۳۰، ح ۴۱، و کفایهٔ الاثر، ص ۱۶۸، باب ما روی عن الحسن بن علی(علیهما السلام)حدیث آخر و باب ما جاء عن علی بن الحسین(علیهما السلام). [۳۸][۳۸] ـ این احادیث را می توانید به خصوص، در کتاب «مسند احمد بن حنبل» جلد یکم صفحه ۸۴، ۹۹، ۳۷۶، و جلد دوّم صفحه ۳۳۶، و جلد سوّم صفحه ۱۷، ۲۶، ۲۸، ۳۶، ۹۸، ۳۱۷، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۸۴، و جلد پنجم صفحه ۵۷۷، و جلد ششم صفحه ۳۱۶ ملاحظه کنید. [۳۹][۳۹] ـ «صحاح ستّه» معتبرترین کتب روایتی اهل سنّت می باشد که عبارتند از: صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی داود، سنن ترمذی، سنن نسائی، و سنن ابن ماجه. [۴۰][۴۰] ـ به کتاب «دانشمندان عامّه و مهدی موعود(علیه السلام)» مراجعه فرمایید. [۴۱][۴۱] ـ اسامی آنها را در کتاب «الامام المهدی»، علی محمد علی دخیّل، صفحه ۲۶۰، و کتاب «او خواهد آمد» صفحه ۷۹ ـ ۸۴، بخوانید. [۴۲][۴۲] ـ انتظار بذر انقلاب، ص ۱۶، و روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۶. [۴۳][۴۳] ـ سوره یونس، آیه ۵۳. [۴۴][۴۴] ـ گفته شده است: این آیه از مدّتها ومهلتهای توده ها و غایب شدن پیامبران و تکذیب آنها از سوی ملّتها، و نزول عذاب بر آنها سخن گفته، نوید ظهور مبارک حضرت مهدی(علیه السلام) را به هنگام انحراف امّت اسلامی از راه هدایت، مژده می دهد. (غیبت شیخ طوسی، ص ۱۱۰ به نقل از روزگار رهایی، ج ۱، ص ۷۱). [۴۵][۴۵] ـ سوره الذاریات، آیه ۲۳. در مورد تفسیر این آیه از ابن عبّاس و حضرت امام زین

العابدین(علیه السلام)روایت شده است که منظور از آن، قیام قائم(علیه السلام) است (غیبت شیخ طوسی(رحمه الله)، ص ۱۱۰، و ینابیع المودّه، ص ۵۱۱، باب ۷۱). [۴۶][۴۶] ـ الملاحم والفتن، ص ۳۴۳ و ۳۴۴، ح ۵۰۷ ; الحاوی و الفتاوی، ج ۲، ص ۴۸ و ۵۸; منتخب الاثر، ص ۱۶۳. [۴۷][۴۷] ـ رجوع شود به کتاب «الملاحم و الفتن سید ابن طاووس»، ص ۹۶ و ۹۷، ح ۶۴ و ص ۱۳۵، ح ۱۵۳ و ص ۱۶۱، ح ۲۱۱ و ص ۱۷۷، ح ۲۳۹ و ۲۴۰، ح ۴۶۰ و ص ۳۴۵، ح ۵۰۹. [۴۸][۴۸] ـ الملاحم والفتن، ص ۱۸۰، باب ۱۹۷، ح ۲۴۵. [۴۹][۴۹] ـ کفایة الاثر، ص ۹۳ . [۵۰][۵۰] ـ بشارة الاسلام، ص ۳۲، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۳ ح ۲۸، ینابیع المودّة، ج ۳، ص ۲۹۸، غایة المرام، ص ۷۰۰، و منتخب الأثر، ص ۱۴۹. [۵۱][۵۱] ـ عقد الدرر، ص ۱۴۳ ; و الملاحم و الفتن، ص ۱۴۸، باب ۱۵۱، ح ۱۸۰. [۵۲][۵۲] ـ عقد الدرر، ص ۱۴۹. [۵۳][۵۳] ـ همان، ص ۴۱. [۵۴][۵۴] ـ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۶، ح ۸۹، و غیبت نعمانی، ص ۱۴۶، باب ۱۰، ح ۴. [۵۵][۵۵] ـ الامام المهدی(علیه السلام)، ص ۸۵، ح ۱۲ . [۵۶][۵۶] ـ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۰۱، ذیل حدیث ۷۷، والامام المهدی، ص ۸۷، ح ۲۲. [۵۷][۵۷] ـ ابن حجر عسقلانی شافعی در کتاب «الاصابه» ذیل ترجمه حکیم بن عیّاش کلبی جلد ۱، صفحه ۳۹۵، از «فوائد» کوکبی روایت نموده، که همین حکیم بن عیّاش کلبی به سبب نفرین امام صادق(علیه السلام) با وضع عجیبی به هلاکت رسید، و داستان هلاکت او از این قرار است: موقعی که امام صادق(علیه السلام) شنید که این شاعر اُموی این گونه سخن سرایی کرده است، سخت منقلب شد، در حالی که دستهایش از شدّت ناراحتّی می لرزید، آنها را به طرف آسمان بلند نموده، عرض کرد: پروردگارا! اگر گوینده این شعر دروغگوست، کلب خود را بر او مسلّط گردان. طولی نکشید که دعای امام(علیه السلام) مستجاب شد، و موقعی که این شاعر بی ایمان عازم کوفه بود در بین راه شیری به او حملهور شد و او را از پای درآورد. [۵۸][۵۸] ـ عقد الدرر، ص ۱۱۰، ارشاد مفید، ص ۳۳۷، کافی، ج ۸، ص۲۰۹، بحار الانوار، ج ۵۲، ص۲۸۸; والمهدی، ص ۵۱. [۵۹][۵۹] ـ غایة المرام، ص ۷۰۴، فرائد السمطین، ج ۲،ص ۳۲۹، باب ۶۱ ; و الامام المهدی، ص ۳۰۷. [۶۰][۶۰] ـ مقدّمه کتاب «مهدی موعود» ترجمه سیزدهم بحار، ص ۱۷۷، و مهدی انقلابی بزرگ، ص ۵۷، به نقل از کتاب علائم الظهور. [۶۱][۶۱] ـ او خواهد آمد، ص ۷۵. [۶۲][۶۲] ـ به بخش یازدهم، تحت عنوان: «نظریّات فلاسفه و دانشمندان درباره آینده جهان» مراجعه فرمایید. [۶۳][۶۳] ـ در مورد این که همه امّتها و ملتها درباره ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) باهم، هم عقیده اند در بخش نهم، تحت عنوان: «نویدهای ظهور مهدی موعود(علیه السلام) در کتب مقدّسه» به تفصیل سخن رفته است. [۶۴][۶۴] ـ قاموس مقدّس، ص ۸۰۶، به نقل از کتاب «او خواهد آمد»، ص ۳۲. [۶۵][۶۵] و ۲ ـ او خواهد آمد، ص ۳۳، به نقل از قاموس مقدس، ص ۲۱۹. [۶۷][۶۷] ـ دیباچه ای بر رهبری، ص ۹۵ ـ ۹۶. [۶۸][۶۸] ـ دیباچه ای بر رهبری، ص ۱۰۱ ـ ۱۰۲.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن

خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۶۰۹۰به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹